




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No1, 83-111.

 [20.1001.1.28212088.1402.2.1.5.2](https://doi.org/10.1001.1.28212088.1402.2.1.5.2)

Aesthetic reading of the political subject in the everyday movement of Kol-bran Kurd¹

Mahshin Siavashpoori²

Mohammadreza Tajik³

HoseinAli Nozari⁴

Abstract

The lack of suitable facilities for life is not only limited to Kurdish areas; Rather, most of Iran's border areas resort to smuggling due to the harsh climatic conditions and proximity to the border. The provinces of Sistan and Baluchistan, Hormozgan, Bushehr and Khuzestan also have almost the same conditions as the Kurdish provinces of the country. In recent years, we can see that the hard life of Kurdish Kolbaran has been discussed and investigated by intellectuals and sociologists more than other border regions. It seems that Col-Bran have been able to present a new image of themselves to the people. This idea has not only forced the officials to answer to them, but it has also managed to arouse the sympathy of the people and the officials in their favor. Every exceptional phenomenon is formed based on reasons. In this article, I would like to answer this question with an aesthetic reading, what important phenomenon happened that raised the status of Kolubran in people's minds as a myth and made talking about them gray. For this purpose, the theoretical and methodological model of Jacques Rancière has been used.

Keywords: *political subject political action aesthetics Everyday movement.*

¹ . Received: 2023/01/30; Accepted: 2023/04/07; Printed: 14/04/2023

² . PhD student in Political Science (Iranian Issues), Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch siavashpoori@gmail.com

³ . Associate Professor, Department of Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Autor) dr_mohammadrezatajik@yahoo.com

⁴ . Political Sciences Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran h.a.nozari@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره اول (پیاپی پنجم)، بهار ۱۴۰۲، ۶۱-۸۲.

سیاست و زیبایی‌شناسی: سوژگی کولبران در جنبش روزمره^۱

مهشین سیاوش پوری^۲

محمد رضا تاجیک^۳

حسین علی نوذری^۴

چکیده

فقدان امکانات مناسب برای زندگی تنها مختص به مناطق کردنشین نمی‌شود، بلکه بیشتر مناطق مرزنشین ایران از این فقدان رنج می‌برند. مرزنشینان معمولاً به خاطر نزدیکی به مرز پتانسیل لازم را برای قاچاق کالا دارند. استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان تقریباً شرایط مشابهی با استان‌های کردنشین کشور دارند. در سال‌های اخیر می‌بینیم زندگی سخت کولبران کرد بیش از سایر مناطق مرزی مورد همدلی مردم و حکومت قرار گرفته است. به نظر می‌رسد کولبران توانسته‌اند یک تصویر جدید از خود به مردم معرفی کنند و جنبه‌های انسانی زندگی‌شان را به جامعه نشان دهند. نگارنده می‌خواهد با خوانش زیبایی‌شناسیک به این پرسش پاسخ دهد که چه پدیده مهمی اتفاق افتاد که جایگاه کولبران در اذهان مردم به مثابه سوژه ارتقا داد و صحبت کردن از آنها را وارد وضعیت خاکستری کرده است. برای پاسخ به این پرسش از الگوی نظری و روش شناختی ژاک رانسیر مدد گرفته شده است.

واژگان کلیدی: سوژه سیاسی، کنش سیاسی، زیبایی‌شناسی، کولبری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۸؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱/۲۵

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. siavashpoori@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dr_mohammadrezatajiki@yahoo.com

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران h.a.nozari@gmail.com

مقدمه

در عرصه فرهنگی جامعه، هیچ تغییری ولو کوچک به راحتی صورت نمی‌گیرد. خصوصاً زمانی که در یک بازه زمانی کوتاه تغییر خاصی دیده و نهادینه می‌شود؛ حتماً از الگو یا برنامه‌ریزی خاصی پیروی شده است. وقتی موضوع در مورد پدیده‌های و کنش اجتماعی است، بحث رهبری و سازماندهی نیز پیش می‌آید. اما در مورد کولبران به نظر می‌رسد که تغییر صورت گرفته از این الگوی سنتی پیروی نمی‌کند. چرا تغییر نام قاچاقچی به کولبری می‌تواند موضوع با اهمیتی باشد؟ چون با این تغییر فرد کولبر دارای شأن و مقام قانونی شده است و در سلسله‌مراتب اجتماعی دارای جایگاه تثبیت شده و رسمی شده است. به طور معمول مطالبه حق و صدایی که بلاخره در جامعه شنیده می‌شود؛ همراه با خیزش‌ها و جنبش‌های رادیکال است.

یکی از ملزومات جنبش داشتن رهبری است که بتواند به خواست و هدف کنشگران جنبش سمت‌وسو دهد. این در حالی است که جنبش کولبران اصولاً فاقد چنین شیوه‌ای از رهبری است که در کنار حامیان و طرفداران خود ایستاده باشد. از دیگر ویژگی‌های جنبش کولبری عدم سازماندهی رسمی میان اعضای کولبری است. آنها بدون سازماندهی به یک شکل واحد عمل می‌کنند. سوژگی آنها در استمرار یک کنش خاص خلاصه می‌شود: خبهرسانی از وقایع زندگی روزمره خود. همین کنش غیر سیاسی معطوف به نتیجه‌ای سیاسی شده است. ارتقای جایگاه آنها و ایجاد حس همدلی مردم نسبت به آنان. قطعاً اگر کنشگران این جنبش می‌خواستند با ایجاد سازماندهی و با کنشی آگاهانه به هدف خود برسند، در همان مراحل اولیه از طی طریق بازمی‌ماندند یا رادیکال می‌شدند.

کولبر کیست و کولبری چیست؟

کولبری در سلسله‌مراتب جامعه چه جایگاهی دارد؟ اگر بخواهیم از لنز مارکس این پدیده را معنا کنیم، می‌توان کلمه پرولتاریا را معادل فارسی کولبر انتخاب کنیم. همان‌طور که از نظر مارکس پرولتاریا نه به معنای طبقه کارگر بلکه به معنای طبقه بی‌چیز است (مک‌لین، ۱۳۸۱، ۶۶۶)؛ یعنی فردی که به نازل‌ترین کار موجود در جامعه اشتغال دارد؛ کولبر کسی است که برای تأمین زندگی خود به حمل اجناسی بین دو خط مرزی مبادرت می‌کند. از نظر منزلت اجتماعی در مرتبه‌ای بسیار پایین‌تر از طبقه کارگر قرار می‌گیرد. این فرد تا دو دهه پیش در نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هیچ جایگاهی نداشت؛ انگار که او انسانی فاقد طبقه بود. به این ترتیب کولبر در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان و راهبردی یک عنصر بی‌مکان و فاقد جایگاه بود. در واقع او هیچ توجهی را به خود جلب نمی‌کند، مگر ملاحظه امنیتی و به‌شدت حذف‌کننده؛ این جایگاه تا دو دهه اخیر از نگاه کاوشگر جامعه‌شناسان، فعالان مدنی و رسانه‌ها مغفول مانده بود.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این غفلت به اصل ۱۲۳ قانون مدنی برمی‌گردد. این اصل به مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختصاص دارد. بر طبق اصل مذکور فعالیت‌های قاچاق کولبران را به عنوان جرم شناخته است و برای آن جریمه‌ای حدود چند ماه زندان تا پرداخت جریمه معادل کالای ضبط‌شده در نظر گرفته شده است. به این ترتیب کالاهایی که طبق تعریف دولت قاچاق محسوب می‌شود، بر روی پشت کردها یا از طریق حمل با حیوان بارکش از مناطق صعب‌العبور مرزی به داخل شهر و روستاهای مرزی انتقال داده می‌شود. اما تعریف مرزنشینان از کولبری مفهومی فرهنگی است و با تعریف قانونی آن متفاوت است. در نظر آنها کولبران افراد شریفی و زحمتکشی هستند که در پی کسب روزی حلال هستند. قادری‌زاده در مقاله‌ای تحت عنوان *برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی* به مقوله قرابت خویشاوندی و بین فرهنگی به مثابه عاملی مهم در ظهور تجارت بین مرزی اشاره می‌کند. به عقیده او عامل نزدیکی جغرافیایی سکونتی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و قومیتی و همچنین قرابت‌های شغلی و معیشتی و ساختار اجتماعی،

مردم روستایی اطراف به برقراری رابطه خویشاوندی گسترده در منطقه، به تدریج در هنگام کم‌یابی کالاهای مورد نیاز روابط اقتصادی بین مرزی در میان خانواده‌ها افزایش بیشتری می‌یابد (قادری‌زاده، ۱۳۹۰، ۷۸).

نظریه زیبایی‌شناسی

کانت ساختارهایی را معرفی کرد که آدمی از آنها بی‌خبر است؛ یعنی شکل‌های دریافت حسی یا مقولات فاهمه. او این ساختارها را استعلایی نامید. واژه‌های همچون حس و فهم از دیرباز در مقام بیان مفهومی تجربه زیسته در کار بودند: «حس کردن» یا «فهمیدن». نکته تعیین‌کننده نظریه کانت، ساختار نظامندی است که «استعلایی» خوانده می‌شود (کانت، ۴۳-۴۰). در واقع سه قوه «حس، فاهمه و عقل» نزد کانت درست مانند «آن، من و ابرمن»^۱ زیگموند فروید^۲ (۱۹۳۹-۱۸۵۶)، واقعیاتی تجربی نیستند. در این معنا آنها به واقع «هیچ» اند، اما این هیچی است که به منزله کارکردی خاص هستی دارد. می‌توان گفت چرخش کانت به سوی شیئی فی‌نفسه با گذار از راه فرعی موشکافی در سوژگی است و مفهوم شیئی فی‌نفسه همواره با معضله دیگری^۳ پیوند داشته است. اگر چه کانت پروژه خود را از طرح مسئله دیگری آغاز نمی‌کند (همان، ۴۷). رانسیر نیز مانند کانت باور به انفعال سوژه دارد و با تکیه بر سیاست استتبیکی مدام می‌کوشد آن لحظه جادویی و به‌شدت بوطیقای سوژه سیاسی را توضیح دهد. به نظر او سوژه سیاسی یک کنشگر توخالی است که با به‌چالش کشیدن چارچوب تثبیت‌شده شناسایی و طبقه‌بندی، مواردی از دادخواهی سیاسی را سبب می‌شود (رانسیر، ۱۳۹۳، ۳۳۸) و الزاماً این کار را با آگاهی انجام نمی‌دهد. سوژه برای او یک کنشگر سیاسی نیست که به دنبال قدرت یا منفعت خود باشد. سوژه سیاسی کسی است که از گروه و طبقه همجنس^۴ خود جدا شده است (Wayan, 2014, 111). در اینجا سؤال پیش می‌آید که چگونه سوژه بدون

^۱ -other, ego, super ego

^۲ - Sigmund scglomo Freud

^۳ - The other

1-Genus

اینکه نیازی به آگاهی سیاسی داشته باشد، می‌تواند یک کنشگر سیاسی باشد؟ چگونه این شکل از کنشگری می‌تواند در برابر نظام سلطه مقاومت کند؟

می‌توان گفت رانسیر می‌خواهد ساخت‌های کهنی را بیابد که «شناسایی» (که آن در جهان مسلط سرکوب شده است) یک گروه موجود در روابط متخاصم با گروه‌های دیگر دست می‌آید. به نظر او اثر سیاست استتیک دقیقا در همان سطح جای دارد. اگر هر «ناشناخته‌ایی» وجود دارد، آن ناشناخته با نابرابری در آرایش اعضا گروه خود و به نفع خود هستی می‌یابد؛ نه به خاطر ماهیت گروهی که به آن تعلق دارد (Wayne, 2014, 97).

رانسیر باور دارد جهان بورژوازی به دو بخش تقسیم شده است: یک بخش را کسانی تشکیل می‌دهند که «زندگی نباتی دارند و در حالی که با تنبلی روی مبل دراز کشیده‌اند و مادام جهان را ترسیم می‌کنند» و بخش دیگر را کسانی تشکیل می‌دهند که «با کسب دانش از فرهنگ خانوادگی‌شان خود را رها کرده‌اند مانند کاشفان، شعرا، دستداران جمهوری‌خواه، پایه‌گذاران شهرهای آینده و رسولان مذاهب جدید (رانسیر، ۱۹۸۹، ۲۰). رانسیر استدلال می‌کند که کارگران باید ویژگی هر دو بخش را داشته باشد، نه به این دلیل که آنان نسبت به شرایط خود آگاهی به دست آورند، بلکه برای این که علایق خود را حفظ کنند و در موردش فکر کنند تا بتوانند جهان دیگری را ترک کنند، به عبارت دیگر جهان دیگری آشکار می‌شود و نوع جدیدی از روابط میان هستی‌ها آغاز می‌شود و امکان و احتمالات دیگری قابل دیدن می‌شود (همان، ۱۹). سوژه رانسیر شبیه پروژه فلسفی فوکو درباره سوژه است: «شکل‌گیری روندهایی که از طریق آنها سوژه خودش را در حکم قلمرو دانش ممکن مشاهده، تحلیل و تفسیر می‌کند و می‌شناسد.

به باور رانسیر علوم اجتماعی مدرن نیز شامل این اغواگری هستند. آنها با قطعیت اظهار می‌کنند که علوم نمی‌توانند تخیل را تصدیق کنند و هرگز نخواستند مزایای تخیل را به دست آورند؛ زیرا می‌خواهند موقعیت طبیعی توزیع اشخاص در نظام اجتماعی را حفظ کنند. همان‌طور که می‌بینیم شکلی از توزیع میان افراد جامعه ایجاد شده است؛ کسانی که سرنوشت آگاهی آنها

را از قبل مقدر کرده و کسانی که سرنوشت مقدر کرده که آنها ابژه‌های دانش را فراهم کنند (Rancier, 2014, 169).

محمدرضا تاجیک در درسگفتار «زیست سیاست» اظهار می‌کند که سوژه مابودگی خود را وامدار فضای مسلط است و این گفتمان مسلط است که عنوان سوژه را به او القا کرده و به تعبیر فوکویی هتروتوپیا^۱ فضایی برای بیرون کشیدن سوژه از عنوانش است (تاجیک ۱۳۹۷/۳/۱). مطابق معمول این جواب انگار دیگری است: برای افلاطون نظم نظام اخلاقی شهر باید به شکلی دیده می‌شد، انگار که خدا طلا را در روح کسانی قرار داده بود که قوانین را تعیین می‌کردند و آهن را در روح کسانی قرار داده بود که حکومت‌داری می‌کردند. این موضوع یک اعتقاد بود، آشکارا افلاطون نمی‌خواست کارگران به این باور درونی برسند که حقیقتاً خداوند آهن و طلا را در روح فرمانبران ترکیب کرده است. کافی بود تا کارگران این را درک کنند؛ به این معنا که آنها از بازوان، چشم‌ها و ذهن خود استفاده کنند انگار که این حقیقت است. به‌علاوه ممکن بود آنها حتی کاری بیش از این کنند و در نتیجه به شایستگی‌ایی که واقعا مناسب وضعیت آنان است برسند (Rancier, 2014, 204).

به باور رانسیر هنگامی که صحبت از دانش استتیک می‌کنیم به این معنا نیست که دانش استتیک برای ما فرصت مناسبی را برای کسب تجربه حسی نزدیکتری ایجاد می‌کند؛ بلکه دانش استتیک یک شیوه از سخن گفتن درباره آن نبرد خاموش و به صحنه آوردن مجدد زمینه جنگ است. چیزی که فوکو «سروصدای دور از جنگ» می‌نامد. بنابراین برای عملی کردن دانش استتیک باید یک جهل معین را به کار گرفت. باید آن مرزبندی‌های منظم را نادیده گرفت تا این وضعیت به عنوان یک سلاح مبارزه به حال اول برگردد (Rancier, 2014, 201).

« به معنای فضای دیگر یا دیگر فضا استفاده می‌کند. Hetrotopia^۱ فوکو از اصطلاح »

روش زیبایی‌شناسی

رانسیر با نقد روش‌های کلاسیک می‌خواهد بنیان‌های روش پژوهش را استتیک را بنا کند و به بررسی تأثیر ذهنیت در گفتمان‌های آکادمیک می‌پردازد و مفهوم علوم را به عنوان دیگری ایدئولوژی در نظر می‌گیرد. رانسیر بر اجرای روند یک پژوهش دموکراتیک تأکید می‌کند؛ پژوهشی که حول «روش برابری» سازماندهی شده است (Pelletier, 2009, 80). در واقع نظریه استتیکی رانسیر ما را قادر می‌کند تا از نظریه به عنوان مسیر بازخوانی تاریخ فلسفه استفاده کنیم. این امکان فضایی را برای ما می‌گشاید که در آن فضا، فلسفه می‌تواند برای تبیین جنبش‌های سیاسی برابری‌خواه یک منبع ضروری باشد. روش استتیکی تفسیر جدیدی از فلسفه، سیاست، ادبیات و هنر را ارائه می‌دهد (Lampert, 2017, 106).

یکی از مفاهیم کلیدی روش رانسیر «توزیع امر محسوس» است که در چندین کتاب خود از آن استفاده کرده است. توزیع امر محسوس از یک طرف به تقسیم کاری اشاره می‌کند که جایگاه حسی یعنی مرئی‌بودن و نامرئی‌بودن گروه‌ها در نظام اجتماعی یا نظام علمی- فلسفی تعیین می‌کند و با ارزیابی گروه‌ها آنها را قابل دیدن یا ندیدن می‌کند. این ابعاد از توزیع امر محسوس با روشی تأثیرگذار زبان فلسفی و یک نوع جامعه‌شناسی پیش‌پا افتاده‌ای را ارائه می‌دهد که فیلسوفان و جامعه‌شناسان را محکوم به ساختن می‌کند. اما بعد دیگر توزیع امر محسوس به (باز) توزیع عجیب و غریب محسوساتی اشاره دارد که مناسب استیک است و دربارہ خوانش کانتی رانسیر است. او رابطه تعیین شده میان احساس و تصور در جامعه را مختل می‌کند. تجربه استتیکی، تجربه یک نظام حسی خاص است. تجربه استتیکی اختلاف میان فهم و احساس، شکل و موضوع، کنش و انفعال را لغو می‌کند (Ranciere, 2004, 120).

برای رانسیر نقطه شروع روش استتیکی احساس کردن شرایط و مقتضیات ابتکاری است. به عقیده او روش به معنای یک حرکت است: نه به معنای حرکت و مسیری که اندیشمند آن را دنبال می‌کند، بلکه پژوهشگر خود

مسیرش را می‌سازد. او باید جایگاهی که در آن قرار گرفته است را بشناسد. برای درک و شناخت موقعیت و قلمرو خود باید بر جایگاه «غیر واقعی» خود تمرکز کند، این شیوه او را به حرکت درمی‌آورد.

شکل‌گیری گفتمان مشروعیت‌ساز

چگونه کولبران به عنوان نماد قشر محروم جامعه مرزنشینان توانستند صدای خود را در رسانه‌ها بازتاب دهند و موجب تغییر تصور مردم و مسئولان نسبت به خود شدند؟ برای سالیان متممادی صحبت کردن از کولبران و سختی‌های زندگی آنها کاری نبود که در فضای سیاسی و رسانه‌ای به سهولت انجام گیرد. سختی‌هایی که قاچاق‌کنندگان برای امرار معاش و زندگی روزمره خود می‌کشیدند؛ آن‌چنان عادی و متناسب با سنت و فرهنگ جامعه‌شان بود که صحبت کردن از آن خصلتی کلیشه‌ای و تکراری می‌گرفت. صحبت از آن حتی برای تبلیغات انتخاباتی نمایندگان سیاسی نیز هیچ جذابیتی نداشت. بنابراین کولبران متشکل از یک مجموعه تھی در سلسله‌مراتب اجتماعی بودند. یک وصله ناجور که همچون گل بر لباس بر حاشیه طبقات پایین اجتماعی چنان چسبیده که تنها باید آن را تکاند. اما اکنون کوچک‌ترین واقعه در مورد کولبران به سرعت در فضای مجازی منتشر می‌شود و مسئله کولبران برای سیاست‌گذاران تبدیل به موضوعی شده که باید برای آن چاره اندیشید و حل کرد. چه چیزی باعث این تغییر نگرش در فضای کلی جامعه ایران شده است؟ چه عناصری کولبران را وارد وضعیت خاکستری کرد؟ چه اتفاقی موجب شد که پدیده کولبری یک جنبه مثبت فرهنگی پیدا کرد؟

برای پاسخ به پرسش‌ها باید دید که چگونه وضعیت کولبران رسانه‌ای شد و چه نهادها و رسانه‌هایی آن را توصیف کردند. طبق مطالعاتی که در روند این جستار صورت گرفته است می‌توان گفت این تصویر در سه مرحله زمانی متوالی و از رسانه‌های متفاوت بازتاب یافته است. اگرچه این رسانه‌ها از لحاظ ایدئولوژیک بسیار متفاوت و حتی متضاد با هم بودند، ولی جالب

است که همه آنها یک بار معنایی را به وضعیت کولبران اطلاق می‌کنند و از این لحاظ همگی مانند هم عمل کردند.

۱- فرهنگ سینمایی: اولین تصویرساز کولبری

درباره کولبری فیلم‌ها و مستندات بسیاری ساخته شده است. سینما نخستین رسانه‌ای بود که شرایط غیر معمول این کار را بازتاب داد. تقریباً تمام فیلم‌هایی که در مورد کولبری ساخته شده‌اند -خواه به صورت فیلم یا مستند- جنبه انتقادی دارند و حس همدردی با کولبران را در مخاطب ایجاد و تقویت می‌کنند. این کار را با بازنمایی راه‌های صعب‌العبور، حمل بار سنگین توسط کودکان، زنان و کهنسالان، راه‌های پرپیچ و خم کوهستان، وزش تندباد، برف و یخبندان، دستمزد پایین و... صورت دادند.

به باور نگارنده، سینما اولین رسانه‌ای بود که موجب شد تا تعریف دیگری از مرزنشینانی که به کار قاچاق می‌پرداختند ارائه دهد. آنها این نگرش را به وجود آوردند که قاچاق کالایی که توسط بومی‌های مناطق غرب کشور صورت می‌گیرد نه برای کسب سود بیشتر، بلکه با حداقل دستمزد و تنها به خاطر گذران زندگی انجام می‌شود. در جدول زیر نام فیلم‌ها و مستنداتی که زندگی کولبران را تصویرسازی کرده‌اند آورده شده است.

جدول ۵-۱- فیلم های مربوط به کوله‌بری

نام فیلم	نام کارگردان	سال ساخت	نوع فیلم	جایزه	مکان فیلم برداری
زندگی در مه	بهمن قبادی	۱۳۷۴	مستند	برنده ۱۱ جایزه بین‌المللی	ایران و عراق
زمانی برای مستی اسب‌ها	بهمن قبادی	۱۳۷۸	فیلم بلند	برنده چهار جایزه بین‌المللی و جزء دوازده فیلم برتر تاریخ سینما	ایران و عراق
آواهای سرزمین مادری‌ام	بهمن قبادی	۱۳۸۱	فیلم	برنده پنج جایزه بین‌المللی	کردستان و عراق
مرز ناامیدی	نیما سروستانی	۱۳۹۶	مستند		مریوان
کژال	نیما یار		فیلم	دریافت یک جایزه	کردستان
به خاطر نان		۱۳۹۸	مستند	-	کردستان
خانم	نوید جهانشیر و سعید حسینی	۱۳۹۷	مستند	-	
کولبر	محمدرضا حاجی غلامی	۱۳۹۸	مستند	-	ایران
سیزده هزار قدم	اشکان احمدی	۱۳۹۸	مستند		اورامانات کردستان
کوه	تیمور قادری	۱۳۹۹	مستند	-	ایران

کولبران برای نخستین بار در سینما و با فیلم‌های بهمن قبادی بازتاب یافت. قبادی در شهر بانه و در استان کردستان به دنیا آمد و دوران کودکی‌اش را در شهر مرزی سپری کرد. عرق او نسبت به سرزمینش، خلاقیت و مهارتش در فیلم سازی همراه با شناختش از شکل زندگی مردم مرزنشین کردستان موجب شد تا سبک منحصر به فردی را در هنر سینما پدید آورد و شهرتی جهانی بیابد. تقریباً قبادی در بیشتر آثارش زندگی اکراد را به تصویر کشیده است.

اگرچه فیلم‌های قبادی در داخل کشور به جز در استان‌های غربی چندان بازتاب نیافت، ولی توانست عناصر بنیادی زندگی کولبران را به تصویر درآورد. قبادی موفقیت خود را با ساخت فیلم «زندگی در مه» را در سال ۱۳۷۷ به دست آورد. این فیلم که در مورد زندگی کولبران بود؛ یکی از تحسین‌برانگیزترین فیلم‌های کوتاه در ایران برای او به شمار می‌رود. به دنبال این موفقیت او با ساختن فیلم «زمانی برای مستی اسب‌ها» به کارش ادامه داد. «آواهای سرزمین مادری‌ام» یکی دیگر از فیلم‌های بلند اوست؛ فیلمی با زبان و ساختاری یکدست که امکانات بصری را نیز به تصویر می‌کشد. «لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند» سومین فیلم قبادی است که به نحوی مهم‌ترین اثر او نیز هست. فیلمی که بیش از هر اثر دیگری توانست مرزهای سرزمین کردستان را بر روی جهان بگشاید (۲۰۱۷).
(<http://mijfilm.com/fa/filmography-1>).

فیلم زمانی برای مستی اسب‌ها یکی از مهم‌ترین آثار قبادی است چراکه او با این فیلم بلند به گروه فیلم‌سازان حرفه‌ای پیوست. این فیلم ۱۶ جایزه از جشنواره‌های جهانی فیلم را به خود اختصاص داد. او یکی از پرکارترین سازندگان فیلم‌های کوتاه به شمار می‌آید و با فیلم زمانی برای مستی اسب‌ها توانست برای دومین بار در تاریخ سینمای ایران جایزه مهم و معتبر دوربین طلایی را که در جشنواره بین‌المللی فیلم کن به اولین ساخته‌های فیلم‌سازان جوان اهدا می‌شود، از آن خود کند. قبادی همچنین برای فیلم‌های کوتاهش بیش از ۶۸ جایزه داخلی و خارجی دریافت کرده است (روزنامه همشهری، یکشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۸۹).

فیلم قبادی سیاسی نیست؛ فیلمی درباره تلاش انسان ها برای بقاست. در دیالوگ‌های آغازین فیلم، ما با سه کودک کرد ایرانی آشنا می‌شویم: آمنه یک دختر نوجوان، برادرش ایوب که حدوداً ۱۲ ساله است و مادی، برادر ۱۵ ساله آنها که چشمان نافذی دارد و سری جست‌وجوگر که مدام به این طرف و آن طرف می‌گردد، سوار بر بدنی است کوچک و کج‌وکوله. این بچه‌ها با پدرشان زندگی می‌کنند و در میان حرف‌هایشان، خیلی عادی اشاره می‌کنند که قاچاقچی است و بر پشت الاغ از مرز کالاهایش را به عراق می‌برد که می‌تواند آنجا گران‌تر بفروشدشان. بچه‌ها هر روز در شهری در نزدیکی خانه‌شان کار می‌کنند. آنها بچه‌های کارند و شغل‌شان این است که لیوان‌ها را برای صادرشدن بسته‌بندی کنند و زیر بار سنگین جعبه‌هایی که از این سو به آن سوی بازار حمل می‌کنند، تلوتلو می‌خورند.

زندگی بخور و نمیر آنها که شاهد آنیم، بسیار تأثیرگذارتر از نظریه‌ها و شعارهای ساده‌ای است که در غرب درباره کودکان کار می‌دهیم. این بچه‌ها کار می‌کنند که زنده بمانند و به قدری غذا می‌خورند که از گرسنگی تلف نشوند. ایوب و آمنه عاشق برادر افلیج‌شان هستند؛ موجودی که در سراسر فیلم حرف نمی‌زند (برترین‌ها، ۲۶ دی ۱۳۹۲).

«ایوب» ۱۲ ساله قهرمان فیلم است. او با مرگ پدر مجبور به مراقبت و نگهداری از خواهر و برادر بیمارش است. پزشک روستا به ایوب می‌گوید اگر عمل جراحی نشود تا سه، چهار هفته دیگر می‌میرد. ایوب به قاچاقچی‌ان منطقه می‌پیوندد تا بتواند هزینه جراحی برادر معلولش «مادی» را تأمین کند. همان‌طور که آنها روی کوه در حال حرکت هستند، باد به شدت شروع به وزیدن می‌کند؛ به حدی که برای ادامه حرکت اسب‌ها، به آنها الکل خورانده می‌شود که نام فیلم نیز برگرفته از همین مسئله است. در آخر این ایوب نیست که هزینه عمل برادرش را تأمین می‌کند، بلکه خواهرش با تن دادن به ازدواج با فردی که او را چندان نمی‌شناسد، می‌تواند با شیربهایش خرج عمل برادرش را جور کند.

قبادی در زیرنویس ابتدای این فیلم قهرمانی اعلام می‌کند فیلم «ادای احترام به میراث فرهنگی من است» و «این افراد، در ذهن من خیالی نیستند، شکی در مورد آن وجود ندارد». در واقع روایتی که قبادی با جذابیت و زیبایی در فیلم به تصویر کشیده است، به عنوان یک گزارش کاملاً معتبر از زندگی گردی است (سینمافا، ۱۳۹۷). قهرمانان فیلم فرهادی کودکانی هستند که قدرتی فراتر از توان یک اسب دارند، ولی از لحاظ مادی آن قدر توان ندارند که بتوانند از پس ویزیت ساده پزشک روستا برآیند.

در واقع قبادی عناصر بنیادین زندگی روزمره مردم کردستان را به تصویر می‌کشد. قبادی در فیلم‌هایش با استفاده از عناصری همچون مه، سفیدی برف، کودکان کولبر، فقر و گذرگاه‌های صعب‌العبور کوهستانی توانست شرایط زندگی مردم سرزمینش را نشان دهد. استفاده از این عناصر به زندگی آنان جنبه‌ای از قهرمانی آمیخته‌شده با پاکی بخشید؛ چون قبادی در فیلم‌هایش از طرفی نشان داد که مردم این منطقه اعم از زن و مرد و کودک چگونه در این راه‌های باریک کوهستانی کوله‌باری سنگین بر دوش می‌کشند، ولی در ازای آن مزد ناچیز دریافت می‌کنند.

تعدد فیلم‌ها و مستندات ساخته‌شده درباره کولبری، حضور تیم اجرا و فیلم‌برداری در مناطق کوهستانی و گرفتن مجوز برای ساخت و نشر آنها از سوئی بیانگر نمایاندن پدیده روزمره در منطقه بود که باید در معمول بودن آن تجدیدنظر می‌شد و از سوی دیگر خلق مفهوم نو از مفهوم قاچاقچی بود؛ یعنی زندگی افرادی که با به خطر انداختن جان خود، کالا قاچاق می‌کنند، ولی در واقع این انتخاب تنها راه گذران زندگی روزمره آنهاست.

۲- رسانه‌های خبری رسمی

در دهه اخیر خبرهای مربوط به کولبران در رسانه‌های رسمی و غیررسمی همچون شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافته است. برای پیشبرد این بخش سعی شده از منابع رسمی خبررسانی استفاده شود؛ چون به نظر می‌رسد انعکاس خبر و روایت کولبران در منابع مذکور به اندازه کافی می‌تواند واقعیت موجود

در این باره را شرح دهد. البته در انتها چند کانال تلگرامی که در اطلاع‌رسانی اخبار روز مربوط به کولبران فعال هستند، آورده می‌شود؛ اما به طور کلی نقطه تمرکز جمع‌آوری اطلاعات این بخش مطالب موجود در منابع رسمی خبررسانی است.

رسانه‌های خبری طیفی از رسانه‌های داخلی و خارجی رسمی را در بر می‌گیرد که لزوماً همه آنها مجوز پخش داخل کشور را ندارند. زمانی که کلمه کولبر را در هر یک از رسانه‌های خبری جست‌وجو می‌کنیم، تقریباً پیش از سال ۱۳۷۸ در هیچ‌یک از آنها خبر یا روایتی درباره کولبری وجود ندارد. اما پس از این تاریخ شاهد آن هستیم که به تدریج در این باره خبر در مطبوعات داخلی و خارجی منتشر می‌شود. اگر چه این رسانه‌ها طیف وسیعی از مخالف، موافق سیاست‌های حکومتی را در بر می‌گیرند، ولی همه آنان در یک موضوع با هم مشترک هستند: «بیان رنج کولبران».

زمانی که مطالب رسانه‌ها درباره کولبران را مطالعه می‌کنیم، به سکوت و هیاهویی پرمعنا پی می‌بریم. اینکه چه موضوعی موجب سکوت رسانه‌ها شده است یا چرا آنها یکباره شروع به خبررسانی درباره کولبران می‌کنند، پدیده‌ای معنادار است و حکایت از تغییر نگرش فضای رسمی در مورد کولبران دارد. تا پیش از سال ۱۳۸۷ سکوت معناداری حکمفرماست و اگر خبری منتشر شده است در غالب گفتمان امنیتی یعنی درباره درگیری مرزبانان با قاچاقچیان کالا است؛ اما از این سال به بعد شاهد آن هستیم که رسانه‌ها به بازتاب زندگی سخت کولبری پرداخته‌اند. در واقع موتور جست‌وجوی هر یک از رسانه‌های مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی خبری نشان می‌دهد که استفاده از این واژه محلی تنها یک دهه است که خارج از مرزهای کردستان رواج یافته است ولی اگر کلمه قاچاقچی را جست‌جو کنیم شمار زیادی خبر و مقاله را می‌بینیم که در مورد قاچاق مرزی نوشته شده است، ولی اثری از کلمه کولبر نیست.

به طور کلی به نظر می‌رسد از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۹۹ ما شاهد دو موج از اطلاع‌رسانی از وضعیت کولبران هستیم. موج اول اطلاع‌رسانی از سال ۱۳۷۸ شروع و تا ۱۳۹۳ ادامه می‌یابد. موج دوم نیز از سال ۱۳۹۵ شروع شده

و تا به امروز ادامه یافته است. هر کدام از این دو دوره ویژگی مخصوص خود را دارد. در جدول زیر عنوان اولین خبرهای رسانه‌ها در باره کولبران آورده شده است. بدیهی است که به دلیل حجم بالای خبر که در این باره وجود دارد، نمی‌توان کلیه عناوین آورده شود. و دیگر، موضوع بیشتر خبرها و مقالات رسانه‌ها تکراری است و مباحثی همچون مرگ کولبران، روایت سختی‌های زندگی در آن منطقه، ساماندهی کولبران، ایجاد بازارهای مرزی، بیمه، قاچاق کالا از مواردی هستند که فراوان تکرار شده‌اند. اما نشر این موضوعات در مقطعی کم یا زیاد شده است. باین‌حال، توجه به این موضوع که رسانه‌های مذکور چه خبری را منعکس کرده‌اند و از چه عبارات و روایت‌هایی در بیان گزارش‌های خود استفاده کرده‌اند، مهم است.

اگر به محتوا و تاریخ خبرها دقت کنیم، درمی‌یابیم موضوعی که موجب جوسازی مطبوعاتی شده است، مسئله مرگ کولبران است. به باور نگارنده همین عامل باعث شکل‌گیری هر دو موج شده است. در واقع مباحثی که پس از آن مطرح شده‌اند، براینده همان رخداد مرگ آفرین است. ولی پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا این رخدادها برای نخستین بار است که اتفاق افتاده و تا پیش از این کولبران در این کوره راه‌ها دچار تلفات جانی نشده بودند؟ در پاسخ می‌توان گفت طبق اسنادی که از مرزبانان دوران رضاشاه بر جای مانده، درگیری میان نیروهای مرزبانی و قاچاق‌چیان بومی همواره اتفاق افتاده است. حتی این درگیری منجر به مرگ قاچاق‌چیان محلی نیز شده بود. یک پرسش دیگر اینکه چه عاملی موجب شد مرگ کولبران پس از سال ۱۳۸۷ تا این حد جنبه دراماتیک به خود بگیرد تا جایی که همه رسانه‌های رسمی موافق و مخالف حکومت از آن حرف بزنند؟

جدول ۵-۲- بازتاب خبرکولبری در رسانه‌ها

تعداد کل خبر	فراوانی در موج دوم	فراوانی در موج اول	محتوای نخستین خبرها	موج دوم ۱۳۹۵- ۱۳۹۹/۳/۳۱	موج اول ۱۳۸۷- ۱۳۹۵	نام روزنامه به ترتیب اواین واکنش در مورد کولبری
۱۷۰	۱۶۲	۸	بحث بیمه تأمین اجتماعی کولبران		۱۳۸۷/۵/۶	خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
۲۸	۲۷	۱	روایت سختی‌های زندگی کولبران		۱۳۸۷/۱۲/۱	اطلاعات
۷۴	۶۰	۱۴	روایت سختی‌های زندگی کولبران و لزوم رسیدگی مسئولان به آنها		۱۳۸۹/۸/۲۴	جام جم
			گزارش کمپین حقوق بشر در مورد مرگ ۷۴ کولبر		۱۳۹۰/۷/۱	بی‌بی‌سی
			پخش فیلم مستند و اشاره به قاچاق کالا توسط کولبران		۱۳۹۱/۲/۹	بی‌بی‌سی
۳۹	۳۷	۴	ماهیت کولبری و اجبار		۱۳۹۱/۵/۱۶	جوان
۹۶	۸۷	۹	خبر گزارش کمپین حقوق بشر در مورد کولبران		۱۳۹۱/۱۰/۳	رادیو فردا
۸۲	۸۱	۱	ماهیت کولبری و اجبار به این کار به خاطر شرایط محیطی		۱۳۹۲/۶/۲۶	همشهری
۱۳۱	۱۴۵	۶	روایت سختی‌های زندگی کولبران		۱۳۹۱/۹/۲۷	تابناک

ادامه جدول ۵-۲- بازتاب خبر کولبری در روزنامه‌ها					
۱۰۶	۱۰۶	-	روایت سختی‌های زندگی کولبران	۱۳۹۵/۷/۹	شرق
			خبر مرگ کولبران	۱۳۹۵/۸/۴	رادیو فردا
			خبر مرگ کولبران	۱۳۹۵/۱۰/۲۸	رادیو فردا
			گله نمایندگان از تیراندازی به کولبران	۱۳۹۵/۱۱/۸	شرق
۱۴۱			خبر سقوط سه کولبر سردشتی به دره	۱۳۹۵/۱۱/۱۰	تابناک
۳۰	۳۰		خبر مرگ پنج کولبر سردشتی	۱۳۹۵/۱۱/۱۲	کیهان
			خبر نامه ۶۰ فعال مدنی درباره کولبران	۱۳۹۵/۱۱/۱۲	رادیو فردا
			روایت مرگ کولبران	۱۳۹۵/۱۱/۱۳	شرق
			تاکید بر برابری مرگ کولبران با حادثه پلاسکو	۱۳۹۵/۱۱/۱۴	تابناک
			خبر طرح دوفوریته نمایندگان	۱۳۹۵/۱۱/۱۴	شرق
			خبر طرح دوفوریته نمایندگان	۱۳۹۵/۱۱/۲۷	تابناک
۹۴	۹۴		خبر فوت چهار کولبر در سردشت	۱۳۹۵/۱۱/۱۲	اعتماد
۱۶	۱۶		طرح نمایندگان برای ساماندهی وضعیت کولبران	۱۳۹۵/۱۱/۱۵	فرهیختگان
۵۵	۵۵		دفاع از کولبران	۱۳۹۵/۲/۲۲	قانون
			خبر مرگ کولبران سردشت	۱۳۹۵/۱۱/۱۳	قانون
			طرح نمایندگان برای ساماندهی وضعیت کولبران	۱۳۹۵/۱۱/۱۵	قانون
			تغییر نام کولبری به پبله‌وری و خبر صدور کارت الکترونیک کولبران	۱۳۹۷/۴/۲	قانون
۲۸				۱۳۹۷/۴/۲	اطلاعات
۱۶	۱۶		خبر بازداشت پنج متهم در مرگ دو کولبر	۱۳۹۶/۶/۱۵	آرمان

از سال ۱۳۹۱ شماری از فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران و هنرمندان در دفاع از کولبران بیانیه‌ای با عنوان «کشتار کولبران کرد را متوقف کنید» تنظیم و خطاب به مسئولان دولتی منتشر کردند. فعالان مدنی و اجتماعی نیز با ساختن صفحه‌ها؛ گروه‌ها و کانال‌ها نسبت به بازتاب این پدیده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همت گماشتند (محمدی، آسو، (Probhematica.com).

طی سفری که برای انجام مصاحبه با کولبران به کردستان داشتم، متوجه شدم تمام کولبران و خانواده‌های آنها از فضای مجازی چون تلگرام، واتس‌آپ و اینستا استفاده می‌کنند. کانال‌های تلگرامی «صدای رنج کولبران»، «پژواک فریاد کولبران» در کنار صدها اکانت اینستاگرام روزانه اخبار مربوط به آنان را در فضای مجازی بازتاب می‌دهند. اگر همین جست‌وجو را برای سایر مردم مرزنشین که به کار قاچاق کالا می‌پردازند انجام دهیم، درمی‌یابیم که این تنها کولبران هستند که سختی و مشقت حاصل از کار خود را در شبکه‌های اجتماعی منعکس می‌کنند. به عقیده من بازتاب خبری مداوم و هماهنگ کولبران و فعالان گرد از مشکلات منطقه و دشواری‌های کارشان موجب شده تا بتوانند به پدیده کولبری در منطقه کردنشین مشروعیت بخشند؛ زیرا آنها توانسته‌اند کولبری را نه به عنوان قاچاقچی کالا، بلکه به عنوان تنها گزینه موجود برای انتخاب نشان دهند.

۳- نگرش نامعمول به زندگی روزمره مرزنشینان

چه عاملی باعث شد کار معمول مردم منطقه مرزنشین غیرعادی جلوه کند؟ مرزنشینان در زندگی خود چه چیزی را به صورت مکرر تجربه می‌کنند؟ بدون شک فضای جغرافیایی و محیطی استان‌های کرمانشاه و کردستان در شکل‌دادن به فعالیت‌ها و عادت‌های روزانه مردمانش بی‌تأثیر نیست. این منطقه بیشتر کوهستانی و دارای دره‌های پرپیچ‌وخم، عمیق و رودبارهای بی‌شمار است. هرچند بخش بزرگی از منطقه اورامان از کوه‌های بلند و پربرف ساخته می‌شود، اما در ارتفاعات پایین‌تر و در دامنه همین کوه‌ها جنگل‌های متراکم کم‌وبیش وسیعی وجود دارند. این جنگل‌ها از دیرباز تأمین‌کننده سوخت زمستانی اهالی منطقه بوده‌اند. بخش بزرگی از اورامان در استان کرمانشاه و کردستان و بخش کوچک‌تری در حلبچه در خاک عراق واقع است. از مناطق مهم شهری آن نیز می‌توان به پاوه، نوسود، نودشه، بیاره و حلبچه اشاره کرد. معماری اورامانات کاملاً با کوهستان انطباق یافته و متکی بر ساخت‌وساز با استفاده از سنگ و به صورت خشکه‌چین است و خانه‌ها در روستاهای منطقه با توجه به شیب تند دامنه‌های صخره‌ای، به صورت پلکانی ساخته شده است. خانه‌ها در اکثر موارد در دو طبقه ساخته شده و بر اساس

معیشت، فضاهای خانه‌ها با یکدیگر متفاوت است و خانه‌های افراد باغ‌دار، کشاورز و دامدار کم‌وبیش با هم متفاوت است (www.tabnak.ir)، نوشته‌شده در ۱۳۹۹/۳/۲۰).

شرایط آب‌وهوایی روستاهای استان کردستان به شکلی است که مردمان آن مجبور می‌شوند در زمستان‌ها از فرط سرما به پایین‌ترین مکان یعنی همان دره پناه آورند و در تابستان به بالاترین مکان یعنی قله کوه‌ها بروند. ارتفاع کوه‌های این منطقه ۱۵۰۰ متر بالاتر از سطح دریاست. این روستاها طول و عرض زیادی ندارند و معمولاً خانه‌های آن به صورت معلق و چسبیده به کوه هستند. طول و عرض روستاها بر کوه و نه بر زمین نقش بسته است. پس می‌توان گفت شرایط آب و هوایی و شکل توپولوژی روستاها به شکلی است که دائماً حرکت ساکنان به صورت پایین به بالا و برعکس صورت می‌گیرد. بنابراین نکته مهم این است که برای ساکنان روستا بالا و پایین رفتن در این مکان کوهستانی یک کار عادی و روزمره است که از سن کودکی انجام می‌شود. کوچه‌پس‌کوچه‌های خاکی و باریک روستاها راه عبور مرور برای ماشین را غیرممکن کرده است؛ بنابراین ساکنان این منازل مجبور به حمل هرروزه وسایل و لوازم زندگی در این کوچه‌های کوهستانی هستند.

از سوی دیگر موقعیت جغرافیای و تراکم جمعیت در کردستان و مناطق مرزی غرب کشور به صورتی است که هر نوع سرمایه‌گذاری را در آن جا امکان‌ناپذیر می‌کند. اگرچه روستاها به ظاهر نزدیک به هم هستند ولی به خاطر کوهستانی بودن منطقه و پایین بودن استاندارد زیرساخت جاده‌ها، رفتن از یک روستا به روستای دیگر بسیار زمان‌بر است و حتی در فصل‌های سرد زمستانی امکان‌ناپذیر می‌شود. از سوی دیگر بالا بودن نسبی دستمزد کولبری نسبت به مشاغل هم‌چون کارگری انگیزه لازم را برای پرداختن به این کار را از میان می‌برد.

۴- تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران

اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران یکی دیگر از عناصری است که بر رفتار کولبران تأثیر گذاشته است. تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران و به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای از سال ۲۰۰۶ آغاز شد و تا سال ۲۰۱۰ نیز شش قطع‌نامه در این خصوص صادر شد که در طی زمان بر شدت اقدامات آنها افزوده شد. با توجه به مفاد قطع‌نامه‌ها، تحریم‌های اعمال‌شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران از نوع تسلیحاتی، مالی و مسافرت افراد درگیر در بخش انرژی هسته‌ای و صنایع موشکی است. اگرچه درجه این تحریم‌ها با تحریم‌های جامع فاصله زیادی دارد، ولی با این حال آثار آنها در جامعه قابل لمس است و در پی آن آثار زینباری حتی بر بخش‌های تحریم‌نشده نظیر بخش سلامت و اغلب عوامل قدرت ملی نظیر اقتصاد، محیط زیست، کارایی نظام سیاسی، علم و تکنولوژی، اجتماع و فرهنگ، امور نظامی و حتی امور فرامرزی تحمیل شده است (مختاری‌هشی، ۱۳۹۴، ۱۳۴).

در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران شدیدتر شد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک ۵+۱ (برجام) خارج می‌شود. در واقع فشار تحریم‌ها به دولت موجب شد تا نسبت به کولبری تساهل بیشتری داشته باشد تا به این طریق بتواند هم جواب‌گوی نیازهای مردم مرزنشین باشد و هم از ظرفیت‌های موجود منطقه برای رفع نیاز برخی از مسائل اقتصادی بکاهد.

سیداحسن علوی عضو هیئت‌رئیس کمیسیون عمران و نماینده شهر سنندج گفت: صد هزار کولبر کردستانی می‌توانند در دوزدن تحریم‌ها به کشور کمک کنند (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۸/۴/۱۸). سخن علوی بر پایه این واقعیت است که با شروع دور جدید تحریم‌ها روز به روز بر تعداد کولبران مناطق مرزی افزوده شده است. طی سفری که کردستان و منطقه اورامانات داشتم، متوجه شدم کولبری دیگر تنها شغل مربوط به مردم مرزنشین نیست و به خاطر افزایش حجم کالاهایی که باید از این طریق جابه‌جا شوند و نیز

بالارفتن نرخ دستمزد کولبری مردم سایر استان‌ها همچون اصفهان، شیراز و... نیز مبادرت به این کار کرده‌اند. اکنون برخی از کولبران محلی شروع به استخدام افراد غیربومی کرده‌اند. به این ترتیب شغل کولبری نسبتاً سازمان‌یافته شده است (تاریخ مصاحبه ۱۳۹۹/۴/۱۱).

شکل‌گیری شخصیت کولبر-سرمایه‌دار

کولبری برای چقدر سود؟ پاسخ کولبران به این سوال بسیار متفاوت بود. عرف تعریف شده برای هر کیلو بار معادل در سال، ۱۳۹۹، ۱۵ هزار تومان بود. هر کولبر در صورتی که از توان بدنی بالایی برخوردار باشد، می‌تواند تا ۴۵ کیلو بار حمل کند. کولبران میانسال بیشتر این نرخ را عنوان می‌کردند. ولی کولبران جوان علی‌رغم اینکه ابتدا می‌گفتند سود چندانی عایدشان نمی‌شود و فیگوری محافظه‌کار به خود می‌گرفتند، بعد اذعان می‌کردند که قیمت حمل به این بستگی دارد که چه باری را حمل کنند. در صورتی که بار ارزشمند و قیمتی باشد، نرخ حمل بار نیز بالا می‌رود؛ زیرا برخی از اجناس حساس هستند و قیمت گزاف دارند. در این صورت حمل بار با ضمانت انجام می‌شود. کولبری به نام آران می‌گفت برخی از اجناس مانند مواد دندان‌پزشکی یا سیم ارتدونسی هستند که قیمتی حدود ۱۰ هزار پوند دارند؛ در این صورت در ازای حمل دو تا سه کیلو از این مواد ۳۵ تا ۴۰ میلیون کرایه ضمانتی دریافت می‌شود... (مصاحبه در نوسود ۱۳۹۹/۴/۱۳). نکته مهم این است که برای حمل بارهای گران نیازمند پارتی‌بازی و شناخت سرمایه‌داران مربوطه است.

یکی از کسانی که کولبران را استخدام می‌کرد، ضمن اینکه از سختی و اضطراب کولبری صحبت می‌کرد، معتقد بود کولبری و هر شغل دیگری که در کنار آن به وجود می‌آید، برخلاف اینکه ریسک دارد ولی از سود بالایی برخوردار است. برخی از کولبران پس‌انداز خود را در مشاغل مختلف شهری از خرید ملک مسکونی و تجاری گرفته تا ماشین‌آلات سنگین و... سرمایه‌گذاری می‌کنند. نکته قابل توجه این است که بسیاری از آنان با اینکه نیاز مالی‌شان برطرف می‌شود باز هم به کولبری ادامه می‌دهند؛ مانند قماربازی

که نمی‌تواند از قمارکردن دست بکشد (نودشه ۱۳۹۹/۴/۱۵ و پاوه ۱۳۹۹/۴/۱۴).

موضوع مهم در پاسخ‌گویی به سؤالات این بود که پاسخ نسل قدیم کولبران با نسل جدید آنها متفاوت بود. نسل قدیم بیشتر از سختی‌ها و درآمد ناچیز کارشان صحبت می‌کردند. نسل جدید نیز ابتدا به همین نحو پاسخ می‌داد، اما پس از مدتی از هیجان، اضطراب، سود، سازماندهی، بازار، کالای مبادلاتی و... صحبت می‌کردند. در واقع پاسخ هر دو نسل درست بود. این موضوع نشان می‌دهد نسل جدید نسبت به نسل پیش از خود فرق کرده است. نسل جدید تسلط بیشتری به شرایط کاری خود دارد و یاد گرفته است همه جوانب کارش را بسنجد، سازماندهی کند، چانه‌زنی کند و از طریق رسانه‌ها از کارش بگوید. نسل جدید آموخته چه بگوید و چگونه سود بیشتری را عاید خود کند. در واقع نسل جدید کولبر توانسته گفتمان محافظه‌کار نسل پیش از خود را به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی استفاده کند و با گفتمان روشنفکری و اخلاق سرمایه‌داری آمیخته کند. در واقع کولبران از گفتمانی که قبادی و دیگران برای آنها ساختند، آموختند که زندگی خود را بیان کنند. قصد آنان از بازتاب دادن کارشان سیاسی نبود، بلکه بیشتر به منظور انعکاس حس قهرمانانی بود که هر روز در زندگی خود تجربه می‌کردند.

پيله‌وری: تغيير افکار عمومی-دولتی نسبت به قاچاقچی

با اینکه در دو دهه اخیر تصویری نو هم در افکار عمومی و هم در رویکرد حکومت نسبت به آنان ایجاد شد، چه عاملی موجب شد مفهوم قاچاق از کولبری زوده شود و بعدها به نام عام‌تری چون پيله‌وری خوانده شوند؟ در بخش پیش نشان دادیم که فیلم‌ها، مستندات و خبرهای زیادی در مورد کولبری ساخته و پخش شده است. در این بخش با تحلیل محتوای رسانه‌ها می‌خواهیم متوجه خط سیر تغییر رویکرد جامعه و حکومت به آنها شویم.

چنان‌که پیش از این اشاره کردیم، بهمن قبادی نخستین کسی بود که کار قاچاق را به عنوان یک کار معمول مردم‌کردنشان بازتاب داد. حدود یک دهه

بعد روزنامه جمهوری اسلامی برای اولین بار بحث بیمه کردن کولبران را پیش می‌کشد و از کلمه کولبر و باربر استفاده می‌کند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۵/۶). گویی به دنبال آینده‌ای معلوم و قابل‌پیش‌بینی برای شغلی پر ریسک است. شغلی که همیشه با مفهوم جدانشدنی قاچاق تنیده شده است. این خبر خط پایانی برای استفاده از کلمه قاچاقچی برای کسانی بود که گریز و پناهی جز اشتغال به آن نداشتند. استفاده از یک واژه محلی برای توصیف منطقی شغل اجباری مناطق مرز نشین بود. از سال ۱۳۹۱ به بعد استفاده از کلمه کولبر به طور کامل رواج می‌یابد. روزنامه «شرق» در خبری که در مورد کولبران چاپ شد، علت تغییر نام از قاچاقچی به کولبر را حوادث گوناگونی ذکر می‌کند که در سال‌های گذشته برای کولبران رخ داده است. در واقع مرگ آنها خواه بر اثر تیراندازی مرزبانان باشد و خواه در اثر عوامل طبیعی همچون سقوط بهمن یا پرت شدن از کوه، باعث توجه جدی افکار عمومی به وضعیت این افراد شده است؛ چنان‌که شاهد هستیم در مدت ۱۰ سال کلمه‌ای که برای اشاره به این شغل استفاده می‌شود، از قاچاقچی به قاچاق‌بر و نهایتاً کولبر تغییر کرده است (مساعد، روزنامه شرق، سه‌شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۶، ۲۹۸۲).

به این ترتیب ضمن اینکه روزنامه‌ها شروع به پوشش‌دادن خبر مرگ کولبران کردند، هم‌زمان به روایت زندگی آنان نیز پرداختند. روزنامه‌ها از شغلی پرمشغله، سخت، طاقت‌فرسا و دردآور می‌نوشتند که علاوه بر اینکه می‌توانست سلامت فرد را به خطر اندازد و او را به انواع و اقسام امراض مبتلا می‌کند که در نتیجه بارکشی و حمل اجسام سنگین برایش ایجاد می‌شود، مرگ‌آفرین هم بود. نگرانی افکار عمومی از وضعیت کولبران و تعداد بسیار زیاد آنان در این مناطق نیز سبب شده سخت‌گیری‌هایی که سال‌ها درباره فعالیت این افراد در مرز وجود داشت، به شدت تلطیف شود و تلاش‌هایی برای ساماندهی آنان صورت گیرد. تلاش‌هایی که البته فرصت را برای سوءاستفاده سودجویان به صورت سیستماتیک نیز فراهم آورد (مساعد، روزنامه شرق، سه‌شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۶، ۲۹۸۲).

همان‌طور که پل ریکور در کتاب زمان و روایت نقل می‌کند «افرادی که تبدیل به فیگور می‌شوند، زخم پیکره سنتی هستند که در آن بار آمده‌اند» (کلاس درس نجفی، پاییز ۱۳۹۶). انگار داستان زندگی کولبران نیز بر اساس منطق ریکور شکل گرفته است. یکی از کولبران که روایت زندگی او بسیار سروصدای خبری به پا کرد، پیرمردی ۷۰ ساله به نام خضر عسگرزاده بود. در مستندی وضعیت دشوار امرار معاش زندگی او نشان داده شد (بی‌پی‌سی، ۱۳۹۶/۱۱/۱۴). بارش چنان سنگین بود که دوستانش آن را بر دوشش نهادند. چهره‌اش در اثر ورم ناشی از عفونت دندان کج و آویزان شده بود. در کوره راه‌های برف‌گیر کوهستانی به راه افتاد تا بار قاچاق روی دوشش را به دست صاحبش برساند. این کنش واقعیت زندگی کسانی بود که با حمل قاچاق کالا امرار معاش می‌کردند. در واقع قاچاق کالا فرد را از نظر قانونی با سایر افراد جامعه نابرابر می‌کند و به پایین‌ترین مرتبه اجتماعی تنزل می‌یابد.

بیات معتقد است در غیاب سازمان‌های مدنی و اتحادیه‌های صنفی-مردمی فرودستان از رهگذر پیشروی آرام واقعیت‌هایی را به وجود می‌آورند که مقامات دیر یا زود باید آنان را به رسمیت بشناسند (بیات، ۲۰۱۶، ۱۲۲). درست است که ابتدا این خیرنگاران داخلی و خارجی بودند که از زندگی کولبران مستند ساخته‌اند و شیوه زیست کولبران تصویر جدیدی از آنان به مردم ایران معرفی می‌کرد که در قاچاق کالا و باربری خلاصه نمی‌شد. کولبر در غالب فیگور یک کودک، زن، مرد، کهنسال قهرمان جای می‌گرفت و در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شد. این فیگور مردم مرزنشین بود که امرار معاش روزمره آنها با قهرمانی و ازجان‌گذشتگی آمیخته شده بود. توسعه‌نیافتگی منطقه و تنها گزینه موجود برای گذران زندگی به خلق تصویرهای بدیع کمک می‌کرد. اما کولبران به تدریج آموختند که با تهیه فیلم و عکس از شغل خود، سختی‌های آن را به تصویر بکشند و درباره آن صحبت کنند. بدون شک آنها بهتر از هر روایتگر دیگری با چالش‌های محیطی و شخصی مربوط به خود آشنا هستند و پی‌واسطه می‌توانند شرایط خود را با دیگران در میان بگذارند. کنشگری فردی در لوای یک جنبش نامحسوس اجتماعی جای می‌گرفت. به جای آنکه به دنبال آرمان دست‌نیافتنی باشند، تنها خود را ابراز می‌کردند.

به این ترتیب کولبران با نشان دادن تصویر واقعی از زندگی در منطقه مرزی، توانستند دیگران را به سخن گفتن درباره شرایط دشوار زندگی آنها وادار کنند. این بار نه تنها صدایشان شنیده شده بود، بلکه صداهای دیگر را هم برای خود مصادره کردند. این بار مقامات برای ارائه حل مشکلات مردم منطقه می‌اندیشند. نمایندگان مجلس طرح‌ها و لوایح متعددی را برای آنان در مجلس ارائه کردند. طرح‌هایی همچون ساماندهی بازارهای مرزی، ارائه کارت الکترونیکی برای کولبری دریافت یارانه‌های حمایتی، بیمه، احداث گذر رسمی و... مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بنابراین کولبر با شناساندن ماهیت کار و زندگی خود توانست یک ماهیت قانونی برای کارش تعریف کند.

در واقع مرزنشینان تصویر قاچاقچی را که برای سالیان متمادی بر چهره آنها حک شده بود را از خود زدودند. در موج دوم خبری می‌بینیم محتوای اخبار کولبران تغییر کرده است. هر روز خبر از اجرای طرحی نو برای سهولت کسب‌وکار مرزنشینان شنیده می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز در اردیبهشت سال ۹۵ در دیدار با کارگران اظهار داشتند: مراد من از قاچاق، فلان کوله‌پرِ ضعیفِ بلوچستانی نیست که می‌رود آن طرف یک چیزی را برمی‌دارد روی کول خودش می‌آورد این طرف؛ اینها که چیزی نیست، اینها اهمیتی ندارد؛ با آنها مبارزه هم نشود اشکالی ندارد (مرزنشینان، ۱۳۹۵/۲/۱۲).

هفتم مرداد ۹۶ نیز «آیین‌نامه ساماندهی مبادله در بازارچه‌های غیررسمی موقت مرزی» به پیشنهاد مشترک وزارت کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در هیئت وزیران مصوب شد (علی‌بیگی، پنجشنبه ۱۳۹۹، marzneshinan.blog.ir). در راستای این آیین‌نامه بازارچه‌هایی در چهار استان غربی کشور راه‌اندازی شد و معافیت‌هایی هم برایشان در نظر گرفته شد. روزنامه قانون در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۴ خبر تغییر نام کولبری به پيله‌وری به این مضمون درج شد: «با اجرایی شدن آیین‌نامه ساماندهی مبادلات مرزی قرار است نام کولبری به پيله‌وری تغییر یابد تا هم جایگاه و منزلت مرزنشینان حفظ شود و هم نفع و درآمد بیشتری عاید مردم مرزنشین شود».

نتیجه‌گیری

بنا بر رویکرد زیبایی‌شناسی، جست‌وجوی معنا در امور بی‌معنای زندگی روزمره آن‌هم توسط کسانی که در سلسله‌مراتب اجتماعی نام و صدایی ندارند، کنشی زیبایی‌شناسی محسوب می‌شود. این کنش مرزها و ساخت‌های تعین‌یافته فرهنگی را در هم می‌شکند و تعریف تازه‌ای از انسان ارائه می‌دهد. معنایافتن امر بی‌معنا یک سویه نقادانه و رهایی‌بخش تجربه‌ای کسانی است که هیچ شایستگی و قابلیت برای فرمان‌دادن ندارند و این تجربه رهایی‌بخش به صورت ناخودآگاه حاصل شده است. این همان مفهوم قدرت توده مردم است.

کولبران در طول تاریخ معاصر نه تنها در جایگاه فرمانبری بلکه در جایی پایین‌تر قرار گرفته بودند که به خاطر حفظ موجودیت خود باید از قدرت مافوق حاکم بگریزند؛ جایگاهی که از همان ابتدا نباید موجود باشد و وجودشان با فرار و گریز از نظم موجود پیوند خورده بود. زندگی کولبران نسل جدید دو ویژگی دارد که آنان را در جایگاه سوژگی می‌نشانند: آنها با روایت‌های ساده از زندگی روزمره خود توانستند حس همدلی جامعه مدنی و مسئولان حکومت را به دست آورند و به تدریج باعث شدند که به آنها به عنوان یک طبقه رسمی و نه قاچاقچی نگاه شود. آنان موفق شدند جهان‌بینی ساختار رسمی را نسبت به خود و حرفه‌شان تغییر دهند. اکنون مقامات حکومتی و عموم مردم به آنان به عنوان یک انسان زحمتکش و نه قاچاقچی می‌نگرند و درصدد حل‌وفصل مشکلات آنان برآمدند. ویژگی دوم، آنان برای روایت از خود به فرد، حزب یا سازمانی بالاتر متوصل نشدند و به بیان روشن‌تر فاقد رهبری و سازماندهی رسمی و مشخص بودند؛ اگرچه به شکل غیررسمی و به صورت ناخودآگاه از گفتمان هنر سینمایی مدد جستند. به این ترتیب کولبران را می‌توان سوژه‌گان یکی از جنبش‌های جدید دانست که توانستند قواعد تاریخی بازی کنشگری را به هم بریزند. اهمیت این موضوع در این است که هرچه شمار افرادی که در حاشیه قرار دارند کمتر شود، به همان میزان نظام اجتماعی منسجم‌تر می‌شود و شرایط ایجاد برابری را بیشتر فراهم می‌کند.

منابع

۱. بیات، آصف (۱۳۹۰)، *زن‌دگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند*، ترجمه فاطمه صادقی، نشر اینترنتی.
۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۷)، *درسگفتار زیست سیاست*، تهران، مؤسسه پرسش.
۳. رانسیر، ژاک (۱۳۹۳)، *سیاست‌ورزی زیباشناسی*، ترجمه فتاح محمدی، تهران، نشر هزاره سوم.
۴. ریکور، پل (۱۳۹۶)، *زندگی در دنیای متن: شش گفت‌وگو، یک بحث*، ترجمه بابک احمدی، تهران، نشر مرکز.
۵. قادری‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) *برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای در شهرستان مریوان، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۹.
۶. قادری‌زاده، امید و دیگران (۱۳۹۲)، *مطالعه کیفی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر تداوم پدیده قاچاق، جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌وچهارم، شماره سوم.
۷. مختاری‌هشی، حسین (۱۳۹۴)، *تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی با تأکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک*، سال یازدهم.

انگلیسی

8. Jacques Ranciere (2009) *A Few Remarks on the method of Jacques Ranciere*, Parallax, Rotledge .
9. Lampert, Matthew (2017) *how To Do Things With Ranciere; Comparative and Continental Philosophy* .
10. Pelletier, Coroline (2009) *Ranciere and Poetics of The Social Sciences; International Journal of Research and Method in Education*.

11. Wayan, Michael; Red Kant (2014) Aesthetics, Marxism and the Third Critique; BLOOMSBURY.

منابع اینترنتی

- <https://www.hamshahrionline.ir> .۱۲
<https://www.sharghdaily.com> .۱۳
<https://www.cinamafa.ir> .۱۴
<https://www.aparat.com/result/mifilm> .۱۵
<https://www.bbc.com> .۱۶
<https://www.marzneshinan.blog.ir> .۱۷
<http://www.Probhematica.com> .۱۸
<https://www.etemadnewspaper.ir> .۱۹
<https://www.jamejamdaily.ir> .۲۰
<https://www.ghanoondaily.ir> .۲۱
<https://www.kayhan.ir> .۲۲
<https://www.farhikhtegandaily.com> .۲۳
<https://www.armanmeli.ir> .۲۴
<https://www.radiofarda.com> .۲۵